

فضیلت شب قدر

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

شب قدر از شب‌های مقدس و متبرک اسلامی است. خداوند در قرآن مجید از آن به بزرگی یاد کرده و سوره‌ای نیز به نام «سوره قدر» نازل فرموده است. در تمام سال، شبی به خوبی و فضیلت شب قدر نمی‌رسد. این شب شب نزول قرآن، شب فرود آمدن ملائکه و روح نیز نام گرفته است. عبادت در شب قدر برتر از عبادت هزار ماه است. در این شب، مقدرات یک سال انسان‌ها و روزی‌ها، عمرها و امور دیگر مشخص می‌شود. ملائکه در این شب بر زمین فرود می‌آیند، نزد امام زمان علیه السلام می‌روند و آنچه را برای بندگان مقدر شده بر ایشان عرضه می‌دارند. شب‌زنده‌داری و تلاوت قرآن و مناجات و عبادت در این شب، بسیار توصیه و تأکید شده است. در بعضی از تفاسیر آمده است که روزی پیامبر اکرم فرمود: «یکی از بنی اسرائیل لباس جنگ پوشید و هزار ماه (هشتاد سال) از تن بیرون نیاورد و پیوسته مشغول یا آماده جهاد فی سبیل الله بود.» یاران پیامبر تعجب کردند و آرزو کردند چنین فضیلت و افتخاری برای آنها نیز میسر شود؛ در این هنگام بود که سوره قدر نازل شد و بیان شد که «شب قدر از هزار ماه عبادت و جهاد برتر است.» (1)

شب قدر

«شب قدر» واژه‌ای قرآنی است. این شب در قرآن، در سوره قدر، با صفت «مبارکه» یاد شده و بهتر از هزار ماه دانسته شده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيَّرَ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (ما قرآن را

در شب مبارک فرو فرستادیم. شب قدر از هزار ماه برتر است.)

در شب قدر، همه امورات عالم اندازه‌گیری می‌شود و به تصویب حجت خدا در هر زمان می‌رسد.

دقیقاً معلوم نیست شب قدر کدام شب است؛ گروهی آن را در طول سال محتمل می‌دانند و گروهی در ماه رمضان، گروهی یکی از 12 شب آخر این ماه و گروهی یکی از شب‌های بیست و یکم، بیست و سوم و نوزدهم ماه رمضان را شب قدر می‌دانند. شیعیان نیز عموماً شب بیست و سوم را شب قدر می‌دانند. این شب دارای اعمال فراوانی است که در کتب دعایی مذکور است. خوابیدن در شب قدر مذموم و شب‌زنده‌داری در آن مستحب است. بنا بر روایات، روز قدر هم به اندازه شب قدر ارجمند است. دعا و استغفار در شب قدر، وظیفه دانسته شده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر دعا در آن و طلب عافیت از خداوند تأکید فرموده است. (2)

فضیلت شبهای قدر

تبیین فضیلت های ماه رمضان در سروده های آئینی در «ترجمان القرآن جرجانی» شب قدر ، شب اندازه کردن کارها ذکر شده است .

صاحب «کشاف اصطلاحات الفنون» گوید : شب قدر ، شبی است با عزت و شرف که هر که در آن طاعت کند عزیز و مشرف گردد .

به گزارش مهر ، در «التفهیم بیرونی» آمده است : «واندر ماه رمضان ليله القدر است ، آنکه جلالت او راه به دهه پسین جویند و نیز گفتند به طاقهای این دهه .» ليله القدر شبی مهم و سرنوشت ساز است .شب نزول رحمت و برکات الهی و تعیین سرنوشت ابدی انسانهاست و درخصوص اهمیت این شب گفتنی است که از صدر اسلام واز عهد رسول اکرم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله) رسم بر آن بوده است که شبهای قدر را «احیا» بگیرند و تا سپیده دم به آداب مخصوص آن منجمله دعا و نماز و استغفار بپردازند .

در فضیلت شب قدر آمده است شبی بهتر از هزار ماه «لیله القدر خیر من الف شهر» و به احتمال قوی این شب ارجمند یکی از شبهای نوزدهم ، بیست و یکم و سوم ماه مبارک رمضان است .

در آیه نخست سوره مبارکه «قدر» نیز تصریح شده است به آن که قرآن کریم در شب قدر نازل شده است : «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» در «تفسیر ابولفتح رازی» پیرامون شب قدر آمده است : شب تقدیر است و فصل احکام و تقدیر قضایا آنچه خواهد بودن در سال از اجال و ارزاق واقسام همه در این شب کنند و گفتند قوله «فی ليله مبارکه» هم این شب است و ...

سخن در باب ليله القدر (شب قدر) بسیار است و در کتب تفاسیر درباره کیفیت و نزول رحمت و برکت در این شب استثنایی احادیث و روایات بسیار قابل تاملی ذکر شده است واما در نگاه شاعران سخن سنج مسلمان که میراث داران و پاسداران حریم فرهنگ و معارفعالیه اسلامی هستند ، حکایت شب قدر حکایتی بس شگفت و تفکر برانگیزی است .

حکایتی که با زبان عرفان و تعابیر رمزگونه ، مخاطب را به این شب بزرگ و اسرار آمیز رهنمون می کند .این اشعار که بر اساس آیات ، احادیث و روایات سروده شده است همچون بارقه های آسمانی بر دل و جان شیفتگان می

تابد و ظلمت درون را به انوار الهی روشن می سازد .

حکیم رودکی سمرقندی :

شب عاشقت ليله القدر است چون تو بیرون کنی رخ از جلبیت

منوچهری دامغانی :

با رنگ و نگار جنت العدنی با نور و ضیاء ليله القدری

شیخ اجل سعدی شیرازی :

تورا قدر اگر کس نداند چه غم شب قدر را می ندانند هم

خواجه حافظ شیرازی :

شب قدر است و طی شد نامه هجر سلام فیه حتی مطلع الفجر

عارفان درباره شب قدر گفته اند که این شب ، شبی است که سالکان را به تجلی خاص مشرف گرداند تا بدان

تجلی قدر و مرتبه خود را نسبت با محبوب بشناسند و آن وقت ابتدای وصول سالک باشد یعنی جمع و مقام اهل

کمال در معرفت :

در شب قدر قدر خود را دان روز در معرفت سخن میران

اختیار انسان و شب قدر

آنچه از مجموع مباحث به دست میآید این است که با ملاحظه آیات و روایات و دریافت ها و مشاهدات،

اطمینان کامل پیدا می کنیم که شب قدر هیچ گونه منافاتی با اختیار انسان ندارد و یقین، او در مقدرات و

سرنوشتی که در شب قدر برایش رقم می خورد موثر است؛ حتی می شود گفت که نقش اصلی را به خود انسان

سپرده اند تا آنچه بخواهد برای فردا رقم بزند.

ادله ای که نقش انسان را در مقدرات شب قدر ثابت می کند به شرح زیر تقدیم می گردد :

1- حالات و دریافت های شخصی

کسانی که اهل دعا و راز و نیاز و اهل شب قدر هستند، نقش خویش را در شب قدر به خوبی دریافته اند. گاهی

این حالات آن چنان ژرف و تاثیرگذار است که تا شب قدر آینده و بلکه تا آخر عمر، در همه افکار، اخلاق، کردار و

رفتار شخص رخنه کرده و آن را در يك خط و سیر معنوی قرار می دهد. دیگرانی هم که به این حد از معنویت راه

پیدا نمی کنند، به فراخور حال خود از مجالس و محافل و شب زنده داریهای شب قدر بهره برداری کرده و فیض

معنوی می برند. ریشه اصلی این دگرگونی ها و حالات، به خود افراد بر می گردد و اینکه تا چه حد خود را آماده

بهره برداری از برکات شب قدر و فضیلت های آن کرده باشند.

اگر معنویاتی که در شب قدر نصیب انسان شده و در زندگی آن ها تحولی آفریده، هیچ ارتباطی با آنان نداشته باشد و تنها به خدا و فرشتگان و نویسندگان مربوط باشد که هر چه بخواهند، برای هر کس بدون ملاحظه حالاتش تقدیر کنند در این صورت مقتضای حکمت و مصلحت این است که یا به هیچ کس هیچ ندهند و یا آنچه می دهند، به همه یکسان و علی السویه بدهند؛ در حالی که ما می دانیم همه برکات خداوندی در شب قدر برای بندگان سرازیر می گردد و با اختلاف و تفاوت به آنان داده می شود؛ پس نتیجه می گیریم تنها دلیل این تفاوت، کارها و اعمال و میزان تلاش خود بندگان است و بس. نتیجه اینکه یکی از راه های رسیدن به اینکه آیا افراد در مقدرات منتخب قدر، صاحب نقش هستند یا نه، این است که ببینیم چه اندازه دگرگونی در همین شب با برکت در آنان ایجاد گشته است.

2- شناساندن شب قدر

خداوند تبارک و تعالی با نزول سوره ای خاص، شب قدر را به مردم معرفی فرموده است. در دو آیه این سوره مبارکه فرموده است: قرآن در شب قدر نازل شده و فرشتگان در آن شب فرود می آیند. سپس افزوده است: شب سلامت است. و فرموده است: عمل صالح در او، برابر با عمل صالح در طول هزار ماه است. فردی به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: مراد و مقصود از اینکه شب قدر بهتر از هزار ماه است چیست؟ حضرت فرمودند: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (1)؛ کار شایسته از قبیل نماز و زکات، صدقات و انفاقات و، انواع خوبی ها در آن شب برتر از هر کار شایسته ای است که در مدت هزار ماه که شب قدر در آن نیست، انجام شود. اگر کارهای نیک بندگان و چند برابر پاداش آن تاثیری در مقدرات و سرنوشت افراد در شب قدر ندارد، از گفتن و دانستن آن چه سودی عاید بندگان می شود؟ اگر نزول قرآن در شب قدر و بیان کردن این مطلب، سود و زیانی را متوجه هیچ کس نمی کند، چه انگیزه ای در اعلام این شب نهفته است؟ اگر دانستن نزول فرشتگان، در نتیجه تلاش افراد سودمند نباشد، چرا باید مردم در جریان آن باشند و دانستن آن چه گره ای از کار بندگان می گشاید؟ می دانیم که کار بیهوده حتی از افراد عادی و معمولی پسندیده نیست، چه رسد به پروردگار آسمان و زمین که هیچ کاری را بدون حکمت و مصلحت انجام نمی دهد. حکمت معرفی شب قدر به عنوان شبی که قرآن در آن نازل شده و شبی که مقدرات در آن سامان داده می شود، این است که بنده سرنوشت و مقدرات خویش را به قرآن پیوند بزند و آن را سرمشق و سرچشمه فکر و عمل خویش قرار بدهد، اگر کردارش موافق با قرآن و در جهت آن باشد، عمل کننده به آن سعادتمند است و اگر خدای نکرده مخالف با قرآن باشد، فاعل آن شقی خواهد بود.

3- اجماع و سیره مسلمانان

می دانیم که همه دانشمندان اسلام و مسلمانان از هر فرقه و گروهی، بر اهمیت شب قدر و احیای آن تاکید فراوان دارند و به شب زنده داری آن شب، اهتمام می ورزند. نقل شده که یکی از دانشمندان بزرگ اسلام، برای اینکه شب قدر را درك کند، يك سال تمام یعنی حدود 357 شب، از سر شب تا به صبح شب زنده داری کرد. (2) این همه اقبال و توجه به تشکیل اجتماعات با شکوه برای خواندن دعا و مناجات و راز و نیاز و تضرع و ابتغال، همراه گریه وزاری و استغفار، برخاسته از يك واقعیت انکارناپذیر است و آن دخالت انسان ها در سرنوشت خودشان است.

4- سفارش امامان دین بر احیای شب قدر

حتی در حال بیماری امام صادق (علیه السلام) به ابوبصیر می فرماید: «وصل فی کل واحد منهما مئه رکعه»؛ در هر يك از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت نماز بخوان «واحيهما ان استطعت الی النور»؛ تا می توانی آن دو شب را تا سپیده صبح شب زنده داری کن «واغتسل فیهما»؛ در آن دو شب غسل کن. ابو بصیر عرض کرد اگر نتوانستم ایستاده نماز بخوانم؟ فرمودند: نشسته بخوان. اگر باز هم نتوانستم؟ خوابیده بخوان. اگر باز هم نتوانستم؟ ایرادی ندارد که سر شب کمی بخوابی و باقی مانده شب ر، به هر نحوی که می توانی به عبادت بپردازی، چون در ماه رمضان، درهای آسمان گشوده است، شیطان ها در زنجیرند و اعمال مومنان پذیرفته می شود. از حدیث فوق، می توان تاثیر فراوان کارهای انسان را بر سرنوشت او ارزیابی کرد. می بینیم ابوبصیر که يك راوی زبردست و کار کشته در فن روایت است، با پیش بردن مرحله به مرحله سوال ها در صدد آن است که ژرفای شب قدر و اهمیت عمل در آن شب را به دست آورد؛ امام (علیه السلام) هم، چنان بر اهمیت عبادت در شب قدر پافشاری می فرمایند که رضایت نمی دهند بنده حتی اگر بیمار باشد، از نتیجه اعمال صالح خویش محروم گردد. نکته در خور توجهی که تاثیر انسان را مشخص می کند، جمله پایانی امام (علیه السلام) است که آن را به عنوان ریشه و علت تاکید و تشویق بر عمل صالح بیان فرموده اند؛ آنجا که فرمودند: «و تقبل اعمال المومنین»؛ اعمال مومنان در شب قدر پذیرفته می شود. (3)

5- تشویق زیاد به دعاهاى ماثور و راز و نیاز

می دانیم که دعاهاى شب قدر، از طولانی ترین و پر محتواترین دعاهاست؛ دعاهاىی مانند «جوشن کبیر»، «ابوحمزہ ثمالی» و امثال آن ه، که اگر با حال و توجه خوانده شود، مایه انقلاب و دگرگونی روحی است، ادعیه ای که انسان را با دریایی از معارف آشنا می کند. انسان با خواندن دعا از يك طرف، با یاد آوری لطف، گذشت، کرم،

رحمت و بخشش بی پایان خدای مهربان او را در کنار و دستگیر خویش می بیند و نور امید در دلش می درخشد و از دیگر سو، با یاد آوردن سختی های جان کندن، تنگی و فشار قبر، گرفتارهای عالم برزخ، حساب و کتاب فردای قیامت، شعله های دردناک و سوزان دوزخ و حسابرسی دقیق در صحرای محشر، تمام وجودش، سرشار از ترس و نگرانی گردیده و آنچه عیش و نوش است فراموش کرده و گذشته خود و آنچه بوده و کرده است را با آنچه باید باشد می سنجد و زبانی که در گذشته متوجه وی شده است را در می یابد و علاوه بر شك و تردیدی که نسبت به راه و روش نا مطلوب خویش پیدا می کند، ندامت سراسر وجودش را پر کرده و تصمیمی سرنوشت ساز می گیرد و مسیر زندگی اش را دگرگون می کند. اگر هم به این مرحله نرسد، لاقل بر کردار خود بیشتر مواظبت خواهد داشت؛ زیرا بیم و امیدی که دستاورد شب قدر است در مراحل زندگی به یارباش می شتابد. در مقابل، اگر کسی از دعا رو برگرداند و شب قدر را هم به غفلت سپری کند، در همان جمود و غفلت، زندگی را به پایان خواهد برد و سرنوشتی شقاوت بار در انتظارش می باشد. از گفتار فوق، این نتیجه به دست می آید که در واقع خود انسان وارد مسیر سرنوشت خویش گشته و آن را تغییر می دهد. گاهی برای پیمودن مسیر مقدرات، بر بال دعا و گاه بر بال عمل می نشیند؛ گر چه دعا هم نوعی عمل محسوب می شود. بنابراین، دعا در شب های قدر که يك کار اختیاری است منشأ اثر است و در سرنوشت افراد دخالت دارد؛ به همین دلیل به آن سفارش اکید شده است. علاوه بر سفارش شفاهی بزرگان دین و علمای اسلام به خواندن دعاها در طول سال، در شب های قدر تاکید بیشتری بر این امر شده است؛ پس حتما منشأ اثر است وگرنه کار لغو و بیهوده از بزرگان سر نمی زند.

6- نکوهش بهره نبردن از شب قدر

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «من ادرك ليله القدر، فلم يغفر له فابعد الله» (4)؛ از خداوند به دور باد و نفرین بر کسی که به شب قدر برسد و زنده باشد، اما آمرزیده نشود. با این حدیث نقش انسان در تعیین سرنوشت خود واضح تر می گردد و معلوم می شود که بدبختی و شقاوت مقدر در شب قدر، نتیجه کار خود بندگان است وگرنه از نظر منطقی با توجه به شان و مقام پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) قابل قبول نیست که آن بزرگوار به خاطر انجام ندادن کاری بی اثر و بی خاصیت، سهل انگاران را نکوهش و مذمت فرمایند. «انس بن مالك» از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل کرده که فرمودند: «ان هذا الشهر قد حضرکم»؛ ماه مبارك به شما رو آورده است. «و فيه ليله خير من الف شهر»؛ در این ماه شبی است که برتر از هزار ماه است. «من حرمها فقد حرم الخير كله»؛ هر کس از فیض شب قدر محروم گردد، از تمام خیرات بی نصیب مانده است. «ولا يحرم خیرها الا محروم» (5)؛ و محروم نمی ماند از برکات شب قدر، مگر کسی که خویشتن را محروم کرده است. روایات، بعضی از گناهان را مانع بهره برداری گناهکار از شب قدر دانسته اند، از جمله آن کارها میخوارگی یا «دایم الخمر» بودن و نیز آزار پدر و مادر است.

7- شب قدر مکمل اعمال صالح

یکی از دلایل تفضل شب قدر به امت اسلام، کامل و پر کردن پیمانه اعمال صالح مسلمانان و جبران کمبودهای آنان است، تا با دستی پر این جهان را ترک کنند. پیش از این گفتیم که امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» فرمودند: مراد این است که انجام کار خوب در آن شب برابر عمل صالح در طول هزار ماه است.

روایتی نیز از امام باقر (علیه السلام) وارد شده، در پاسخ به این پرسش که چرا شب قدر به وجود آمده و به عبارت دیگر فلسفه شب قدر چیست؟ ایشان می فرمایند: «و لولا ما يضاعف الله للمومنين، لما بلغوا ولكن الله عز و جل يضاعف لهم الحسنات»؛ اگر خداوند کارهای مومنان را چند برابر نکند به سر حد کمال نمی رسند، اما از راه لطف کارهای نیکوی آن ها را چند برابر می فرماید تا کاستی هایشان جبران شود. از این روایت و روایت قبلی به خوبی می توان فهمید که مبنا و اساس، عمل صالح خود بنده است؛ هنگامی که يك عمل صالح معمولی با زمانی پر برکت و مقدس همراه گردد، از ارزشی چند برابر برخوردار می شود و گاه همراه شدن يك عمل صالح با ولایت و اعتقاد و امامت می تواند انسان را به اوج شرافت برساند؛ پس، راز سعادتمند شدن انسان ها در شب قدر، عمل اختیاری صالحی است که با عنایت خداوند، برکت یافته و چند برابر می شود. در روایات به پاره ای از اعمال سفارش شده که نتیجه ویژه آن در شب قدر نهفته است.

8- نتیجه بخش بودن بعضی از اعمال در شب قدر

1- **نماز** «انس بن مالک» از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) روایت کرده که فرمودند: «من صلی من اول شهر رمضان الی آخره فی جماعه فقد اخذ بحظا من ليله القدر» (6)؛ کسی که از اول تا آخر ماه مبارک، در نماز جماعت حاضر شود، بهره ای از شب قدر نصیبش شده است.

2- **افطاری دادن با مال حلال** «ابو شی ابن حیان» از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل کرده که فرمودند: «من فطر صائما فی شهر رمضان من کسب حلال صلت علیه الملائکه و لیالی رمضان کله و صافحه جبرائیل (علیه السلام) ليله القدر و من صافحه جبرائیل (علیه السلام) یرق قلبه و تكثر دموعه...» (7)؛ کسی که با مالی که از راه حلال به دست آورده، روزه داری را افطار دهد، در تمام شب های رمضان فرشتگان بر او درود فرستند و جبرئیل در شب قدر با وی مصافحه کند، نشانه مصافحه جبرئیل آن است که دل مصافحه شونده نرم و اشکش جاری می شود.

3- **صدقه** درباره امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است: «کان اذا دخل شهر رمضان تصدق فی کل یوم بدرهم فیقول: لعلی اصیب ليله القدر» (8)؛ در هر روز ماه مبارک يك درهم صدقه می دادند، آن گاه می فرمودند: شاید با این کار، شب قدر را دریابم و از آن بهره گیرم. «عبدالله بن مسعود» روایت می کند که شبی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از نماز عشا فارغ شد، مردی از میان صفوف برخاست و گفت: ای مهاجران و انصار، مردی

غریبیم و بر هیچ چیز قدرت ندارم. مرا طعامی دهید. رسول خدا گفت: ای فقیر، ذکر غریب مکن که دل مرا اندوهگین ساختی. بعد از آن فرمودند: غریبان چهار قسمتند:

1- مسجدی که در میان قومی باشد که در آنجا نروند و نماز نخوانند. 2- مصحفی و قرآنی که در خانه ای باشد و مردم آن خانه از آن تلاوت نکنند. 3- عالمی که در میان جماعتی باشد و ایشان تفقد وی نکنند و از او مسایل دینی سوال نکنند. 4- اسیران اهل اسلام که در میان کفار باشند، پس فرمود: کیست که موونه و غذای این مرد را کفایت کند تا در فردوس اعلا خدا او را جای دهد؟ حضرت علی (علیه السلام) برخاست و دست سائل را گرفت و به حجره فاطمه زهرا (س) رفت و گفت: ای دختر رسول خدا، در کار این میهمان نظری کن. حضرت زهرا فرمود: در خانه طعام اندکی موجود است و حسن و حسین گرسنه اند و شما روزه دارید و آن طعام يك نفر را بیشتر کفایت نمی کند. علی (علیه السلام) فرمود: آن را حاضر کن.

فاطمه (س) طعام را پیش آورد. حضرت امیر آن طعام را پیش میهمان نهاد و با خود گفت که اگر من از این طعام بخورم میهمان را کافی نباشد و اگر نخورم سبب خجالت میهمان شود، پس دست دراز کرد به سوی چراغ و چنان نشان داد که چراغ را اصلاح می کنم و آن را خاموش کرد و فاطمه (س) را گفت در روشن کردن چراغ دیگر تعلل کن تا میهمان از خوردن غذا فارغ شود و خود حضرت دهان را می جنباند تا مهمان تصور کند که علی غذا می خورد.

و چون میهمان از غذا خوردن فارغ شد فاطمه (س) چراغ را آورد و طعام همچنان برجای بود. امیرالمومنین فرمود: ای فقیر، چرا طعام خود را نخوردی؟

گفت: سیر شدم؛ پس علی (علیه السلام) و فاطمه (س) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و فضه و همسایگان از آن طعام خوردند و هنوز باقی بود. (9)

4- **شب زنده داری** حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «من احيا ليله القدر حول عنه العذاب الى السنه القابله» (10)؛ کسی که شب قدر را شب زنده داری کند، تا شب قدر آینده، عذاب دوزخ از او دور گردد.

5- **غسل و شب زنده داری** امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند: «من اغتسل ليله القدر و احياها الى طلوع الفجر خرج من ذنوبه» (11)؛ کسی که در شب قدر غسل کرده و تا سپیده صبح شب زنده داری کند، گناهانش آمرزیده می شود.

روایاتی که ذکر شد به خوبی دلالت دارند که برخی مقدرات و پاداش ه، مانند دور شدن عذاب دوز که در حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ذکر شده بود، نتیجه کار خود بندگان است. موارد فوق می تواند برای نشان دادن اینکه سرنوشت هر انسانی در شب قدر به دست خودش رقم می خورد، کافی باشد، ولی برای تکمیل بحث، نکاتی چند که خارج از چارچوب شب قدر و نشان دهنده موثر بودن انسان در تعیین سرنوشت خویش است را مطرح می کنیم. این بحث تکمیلی را در دو بخش انجام می دهیم:

1- عمل و پاداش آن در ماه مبارك رمضان. 2- عمل و پاداش آن، صرف نظر از زمان خاص.

پاداش ها در ماه مبارك رمضان

امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمودند: در ماه مبارك کارهای خوب پذیرفته و کارهای زشت بخشیده شده است. خواندن يك آیه قرآن در این ماه، برابر با يك ختم قرآن در ماه های دیگر است. کسی که برادر خود را با يك لبخند شاد کند، در روز واپسین خداوند دلش را شاد کرده و مزده بهشت به او دهد. کسی که مومنی را در این ماه یاری کند، خداوند در روزی که قدم ها بر پل صراط می لغزند او را دستگیری کرده و از پل صراط عبورش خواهد داد. هرکس خشم خود را نگه دارد، خداوند در روز قیامت بر وی خشم نکند. هرکس درمانده ای را فریادرسی کند، خداوند در روز قیامت وی را از رسوایی بزرگ ایمن گرداند و رسوایش نکند. کسی که ستمدیده ای را یاری کند، خداوند او را در دنی، در مقابل دشمنانش یاری کرده و در روز قیامت نیز، در موقف حساب و میزان یاریش فرماید. (12) و در روایت دیگر امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمودند: کسی که ماه مبارك رمضان را روزه دارد و از حرام و تهمت زدن به دیگران اجتناب ورزد، خدا از او خشنود شده و بهشت را بر او واجب و حتمی می کند. (13)

دو روایت بالا ارتباط محکم پاداش ها و اعمال بنده در ماه مبارك و نقش انسان در ترسیم سیمای درونی او را کاملا آشکار نموده است.

پاداش عمل با صرف نظر از زمان خاص

آیات و روایات فراوانی هست که بعضی دگرگونی ها و پاداش های خاص را نتیجه کار بنده دانسته، یا عمل او را تنها عامل معرفی کرده اند.

نمونه ای از این آیات و روایات: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (14)؛ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (15)؛ به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشانند، باشد که باز گردند. دعا دگرگون کننده سرنوشت «ابن حبان» و «حاکم» از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که فرمود: فقط دعاست که تقدیر و سرنوشت ها را دگرگون می کند و تنها نیکی است که مایه افزایش عمر می گردد. گاهی شخص گناهی را مرتکب می شود و به واسطه آن از روزی و نعمتی محروم می ماند.

پی نوشت ها :

1- اصول کافی ، ج 4، ص 158. می گردد (16).

2- فوائد الرضویه ، ص 10 - قصص العلم، ص 18- سیمای فرزنانگان ، ج 3.

3- وسائل الشیعه، ج 10، باب 32، ص 354.

- 4- بحار الانوار ، ج 94، ص 80، ح 47.
- 5- كنزالعمال ، ج 8 ، ص 534، ح 24028.
- 6- همان ، ص 545، ح 24090.
- 7- الترغيب و الترهيب ، ج 2 ، ص 95، ح 14.
- 8- بحار الانوار ، ج 95، ص 82.
- 9- تفسير منهج الصادقين ، ج 9 ، ص 237.
- 10- بحار الانوار ، ج 95، ص 145.
- 11- همان ، ج 80، ص 128.
- 12- همان ، ج 93، ص 341.
- 13- همان ، ص 346.
- 14- رعد ، آيه 11.
- 15- روم ، آيه 41.
- 16- تحفه الاحوذى ، ج 6 ، ص 348 ، ح 2225.